

بررسی روشی مبانی کلامی سیدجمال اسدآبادی

محمدصفر جبرئیلی^۱ محمد اصدق پور^۲ رضوان صادقیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۳۰

چکیده

سیدجمال‌الدین اسدآبادی از شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار جهان اسلام در دوران معاصر است. مسئله این مقاله آن است که در سپهر فکری - معرفتی سیدجمال و مبانی بینشی، منشی و کنشی وی، مبانی و مسائل کلامی از چه رویکرد و روشی برخوردار است زیرا ایشان در علوم اسلامی از جمله فلسفه و کلام متبحر و توانا بود و توانست در عرضه مسائل کلامی با محوریت اجتماع و بر اساس مقتضیات زمان و مکان گام‌های آغازین را بردارد و با تبیین صحیح مسائل کلامی و اعتقادی در حل معضلات اجتماعی و برون‌رفت از انحطاط و عقب‌ماندگی جامعه اسلامی نقش‌آفرین و جریان‌ساز باشد. در این تحقیق با اتکا به آثار به جا مانده از سیدجمال و با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی روشی مبانی کلامی سیدجمال پرداخته شده است. از جمله یافته‌های این پژوهش درک این معنا است که سیدجمال قلمرو عقل را در عرصه تبیین صحیح، اثبات مدلل و دفاع از دین و آموزه‌های اسلامی، بسیار وسیع می‌دیده است و رابطه عقل و کلام را دو سویه تعریف می‌کند. بدان معنا که عقل، مبین مسائل کلامی و علم کلام، مکمل و تعالی‌بخش عقل می‌باشد. رویکرد کلی سیدجمال، بیش از آنکه نقلی باشد، عقل‌گرایانه است و برای عقل منزلت و جایگاه والایی را قائل است، اما همواره قلمرو عقل و محدودیت آن را نیز مد نظر دارد و سعی در طی طریق در مسیر اعتدال دارد و از اصول و چارچوب عقلانیت دینی و فلسفه اسلامی تعدی ننموده است.

واژه‌های اصلی: سیدجمال‌الدین اسدآبادی، علم کلام، روش‌شناسی کلامی، کلام اجتماعی.

مقدمه

^۱. هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

^۲. دکتری مدرسی معارف اسلامی.

^۳ کارشناسی ارشد

سیدجمال‌الدین اسدآبادی از مخالفان جدی نظریه قلمرو حداقلی دین بوده و با پذیرش جامع‌نگر به حوزه دین بر این باور است که دین برنامه زندگی سعادت‌محور انسان را در همه ابعاد مادی و معنوی ارائه کرده و معیشت اخروی و سعادت و کمال در آن حیات را ناظر به ابعاد زندگی مادی دانسته و رابطه دین را با انسان فراتر از ارتباط فردی به مناسبات اجتماعی نیز می‌گستراند. دلیل ورود این تحقیق به اندیشه سید آن است که وی یکی از شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در دوران معاصر است. (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۲۴، ص ۳۰) شخصیتی که همچنان در کانون توجه اندیشمندان و پژوهشگران می‌باشد. در این تحقیق تلاش گردیده است تا با روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر آثار بیانی و بنانی به جا مانده از سیدجمال به این سؤالات پاسخ داده شود که در هندسه فکری - معرفتی سیدجمال و مبانی بینشی، منشی و کنشی وی، مبانی و مسائل کلامی از چه رویکرد و روشی برخوردار است؟ کدامیک از آثار سیدجمال دارای رویکرد کلامی است؟ رویکرد اجتماعی سیدجمال به چه میزان متأثر از مبانی کلامی وی بوده و مبانی کلام اجتماعی از منظر ایشان چگونه است؟

درباره پیشینه تحقیق باید گفت: در حوزه تبیین مبانی فکری - معرفتی سیدجمال تاکنون آثار ارزنده و متعددی به نگارش درآمده است. البته در این آثار به صورت مستقل به سیدجمال پرداخته نشده است اما در بخش‌هایی از این کتاب‌ها به برخی از دیدگاه‌ها و مبانی فکری و معرفتی سیدجمال اشاره شده است. یعنی به سیدجمال به عنوان بخشی از یک جریان فکری و معرفتی تأثیرگذار توجه گردیده است. برخی از مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: «بررسی نهضت‌های اصلاحی در صد ساله اخیر» تألیف مرتضی مطهری. «آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر» تألیف عبدالحسین خسروپناه. «سیری در تفکر کلامی معاصر» تألیف محمدصفر جبرئیلی. «سیدجمال‌الدین اسدآبادی مجدد نهضت احیای فکر دینی» تألیف محمدجواد صاحبی. «جریان‌شناسی اعتزال نو» تألیف محمد عرب‌صالحی. شاخصه اصلی و نقطه اشتراک این آثار در این است که سیدجمال را بهره‌مند از مبانی کلامی شیعی و برخوردار از عقلانیت اسلامی در بینش، منش و کنش‌های فردی و سیاسی و اجتماعی معرفی کرده‌اند. تفاوت این نویسندگان در نوع نگاه و زوایای مختلفی است که با توانایی، تخصص و سبک منحصر به فرد خود بر آثار سیدجمال داشته‌اند و توانسته‌اند به تبیین برخی از مبانی فکری - معرفتی وی بپردازند. مسئله‌ای که در این آثار از آن غفلت شده و کمتر مورد توجه بوده است، نگاه روش‌شناسانه به مبانی کلامی سیدجمال می‌باشد که این پژوهش‌ها عهده‌دار آن است.

شخصیت و آثار

سیدجمال بن صفدر الحسینی در سال ۱۲۱۷ شمسی در اسد آباد همدان متولد شد و در سال ۱۲۷۵ شمسی در استانبول ترکیه دار فانی را وداع گفت. او در علم تفسیر، کلام و فلسفه تبحر داشت. نقش تأثیرگذار او در ایجاد نهضت‌های اسلامی و مبارزات سیاسی - اجتماعی در ایران، مصر، عراق و... موجب شد تا در میان نخبگان و عالمان و حتی عموم جامعه آن روز شخصیتی برجسته و شناخته شده باشد.

او تحصیلات دینی خود را در حوزه‌های قزوین، تهران و نجف گذراند. نبوغ فکری، گستره مطالعاتی، ملاقات با شخصیت‌های علمی و سیاسی متعدد و سفرهای پی در پی او به مناطق مختلفی از جهان موجب شد تا با مشکلات جهان اسلام آشنا شد و به فکر یافتن راه حل برای آنها باشد. از جهت علمی در مدت اقامت حدود ده ساله او در مصر (۱۲۸۸-۱۲۹۶ق) علاوه بر تدریس مواد درسی فلسفه و کلام و تربیت شاگردانی در عرصه کلام و فلسفه و اجتماع و سیاست، به نگارش یا املاء چند کتاب اصلی توفیق یافت که «التعلیقات علی شرح العقائد العضدیه» و «الرد علی الدهرین» و حواشی متعددی بر کتاب‌های فلسفی که به احتمال زیاد نسخه‌های آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی است از مهم‌ترین آنهاست.

اندیشمندان و بزرگان از سیدجمال با القایی چون: «یگانه دوران، شخصیتی جامع الاطراف، احیاگر فکر دینی، سلسه جنبان نهضت‌های اصلاحی صد ساله اخیر، بانی نهضت بازگشت به اسلام، پیشوای بزرگ آزادیخواهی و مصلح دنیای اسلام» یاد کرده اند. (الشریابی، ۱۹۶۳م، ۶۴)، (غنیمه، ۱۳۶۴ش، ۷۵)، (لاهوری، ۱۳۶۶ش، ۹۷)، (مطهری، ۱۳۸۵ش، ۲۴:۳۰)، (حکیمی، ۱۳۸۲ش، ۴۷)

سید نه تنها نزد دانشمندان شیعه مقام و منزلت خاصی دارد بلکه نزد دانشمندان اهل سنت نیز دارای موقعیت و شهرتی فوق‌العاده است زیرا وی در هر دو حوزه فکری شیعه و اهل سنت حضور مستمر و مؤثر داشته است و به واسطه نشریات و مقالاتش که در میان اهل علم و طبقه تحصیل کرده شیعه و سنی دست به دست می‌شد از شهرت و می‌توان گفت از مقبولیت برخوردار بوده است و در هر دو حوزه دارای کرسی تدریس و صاحب‌نظر بوده است (محیط طباطبایی، ۱۳۸۰ش، ۷۷-۸۵).

تعریف، اهداف و رسالت علم کلام

از علم کلام تعاریف مختلفی ارائه شده است. یکی از برترین آنها، تعریف استاد شهید مطهری از علم کلام است که می‌گوید: «علم کلام علمی است که درباره عقاید اسلامی یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت بحث می‌کند به این نحو که آنها را توضیح می‌دهد و درباره آنها استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌نماید.» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۵). به عبارت دیگر اهداف و رسالت علم کلام را اگر بخواهیم با تفصیل و جزئیات بیشتر تقریر و تبیین نماییم باید بگوییم اهداف علم کلام بر چهار محور متصور است:

الف. رسیدن به معرفت تفصیلی و دین‌شناسی تحقیقی و مدلل در زمینه عقاید دینی.

ب. اثبات موضوع‌های سایر علوم دینی از طریق علم کلام. (با این توضیح که، تا وجود خداوند و ارسال رسل و انزال کتب در کلام ثابت نشود و تا زمانی که بحث‌های مربوط به غایتمندی و تکلیف انسان در این علم اثبات نگردد، بحث در سایر علوم اسلامی؛ نظیر تفسیر، فقه، حقوق و... بی‌موضوع و بی‌معنا خواهد بود.)

ج. ارشاد و هدایت حق جویان

د. دفاع و پاسداری از اصول و عقاید دینی. (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲، ص ۳۷-۴۴)

با توجه به مطالب پیش گفته، اگر بخواهیم تعریف جامعی از علم کلام ارائه دهیم با التفات و جمع‌بندی تعاریف ارائه شده درباره علم کلام باید بگوییم: علم کلام دانشی است که به استنباط، تنظیم و تبیین معارف و مفاهیم دینی پرداخته و بر اساس شیوه‌های مختلف استدلال اعم از درون و برون دینی، گزاره‌های اعتقادی را اثبات و توجیه می‌کند و به اعتراض و شبهات مخالفان دین پاسخ می‌دهد. (ر.ک: خسروپناه، ۱۳۹۰، ص ۲۷)

روش علم کلام

روش استدلال‌های کلامی متنوع و مختلف بوده و منحصر در روش خاصی نیست بلکه با توجه به رسالت‌های گوناگونی که بر عهده دارد و در بالا به آن اشاره شد، از روش‌های مختلف بهره می‌گیرد. متکلم جهت تأمین هدف اول و دوم فقط از راه استدلال یقین‌آور و برهانی وارد می‌شود ولی در رابطه با دو رسالت اخیر از همه روش‌های استدلالی بهره می‌گیرد. در این دو هدف انتخاب روش به عهده متکلم است که با در نظر گرفتن تفاوت‌های فکری و روحی طرف‌های بحث و نیز شرایط مختلف زمانی و مکانی و نیز سایر شرایط، شیوه استدلال مناسب را برمی‌گزیند. از این‌رو روش کلام گاه برهانی است و زمانی جدلی و خطابه‌ای است (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲، ص ۵۳-۵۶). با توجه به نکات یاد شده درباره تعریف، اهداف و روش علم کلام در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: سه کاربست و رسالت اصلی برعهده دارد؛ اول: توضیح و تفسیر و تبیین صحیح مبانی و مفاهیم اعتقادی و جهان‌بینی دینی بر پایه استدلال عقلی و نقلی. دوم: اثبات آنها با استفاده از روش‌های مختلف استدلال یقین‌آفرین. سوم: دفاع از بنیادهای اعتقاد دینی و پاسخگویی به شبهات پیرامونی آن با استفاده از روش‌های مناسب برهانی و جدلی و خطابی. مبتنی بر همین سه مؤلفه مهم می‌توان منهج و روش فکری مبانی کلامی سیدجمال و آثار بیانی و بنانی ایشان را در حوزه تبیین، اثبات و دفاع از اصول فکری اسلام تقریر نمود و به تصویر کشید.

روش تدوینی و تألیفی سیدجمال و معرفی آثار کلامی وی

سیدجمال به دلیل سفرهای پی در پی و متعددش کمتر حوزه آموزشی و تدریسی داشته است. هرچند او در هرجایی که بوده به روشنگری و ایراد مطالب و مباحثی در عرصه‌های فکری، سیاسی و اجتماعی می‌پرداخته است اما در مواقعی که در جایی مستقر می‌شد به آموزش و تربیت نفوس همّت می‌گماشت (جبرئیلی، ۱۳۹۱، ش، ۹۰). دغدغه او در پرداختن به نیازها و ضرورت‌های جامعه اسلامی و حلّ مشکلات فکری، سیاسی و اجتماعی مسلمانان موجب می‌شد تا بیشتر به مباحث و مسائلی از این قبیل

بپردازد. لذا ممکن است او تألیف جامع و مبسوطی در علم کلام و فلسفه نداشته باشد ولی در مدت اقامت هشت ساله‌اش در مصر (۱۲۸۸-۱۲۹۶ق) به تدریس یک دور کلام اسلامی با محوریت «شرح العقائد العضدیه» ملّا جلال الدین دوانی (متوفی ۹۰۸ق) پرداخت که توسط شاگرد نامدارش «محمد عبده» تقریر و منتشر شده است. از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های روشی سیدجمال در حوزه تدوین و تألیف این بوده است که او بیشتر اهل ایراد خطابه و سخن بوده و با توجه به سلاست بیان افرادی به تقریر بیانات او می‌پرداختند. میرزا لطف الله جمالی، خواهر زاده سید که گاهی در ایران ملازم او بوده است، می‌گوید: «هر وقت سید اراده می‌کردند، مقاله یا خطابه راجع به موضوعی انشاء نمایند، چند نفر محرر که یکی از آنها خود من بودم، آماده و حاضر می‌شدیم. او در همان اتاقی که بود به پا خاسته با کمال وقار و ابهت و در حین قدم زدن و بالا و پایین آمدن اتاق با آن طلاقت لسان و فصاحت بیانی که منحصر به خود او بود و بدون لکننت مطالبی را که می‌خواست بیان کند، ایراد می‌فرمود و محررین به سرعت می‌نوشتند.» (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ص ۲۲۱). در عین حال چنان‌که در فهرست آثار او مشهود است، مقالات متعددی با محوریت تبیین آموزه‌های دینی و پاسخ به شبهات با روش «عقل‌گرایی فلسفی» از او به جای مانده است.^[۱] شاخصه‌ها و مبانی روشی که سیدجمال بر اساس آنها آثارش را تدوین کرده است مبتنی بر دغدغه و نگاه اجتماعی - سیاسی وی به دین و آموزه‌های اسلامی است. در حقیقت او با مؤلفه‌هایی که در تعریف علم کلام بدانها اشاره شد به تبیین، اثبات و دفاع از آموزه‌های دینی پرداخته و پاسخگویی دین به نیازهای روز جامعه و دنیای معاصر را سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار داده و درصدد برجسته‌سازی و ترویج هرچه بیشتر این بُعد از آموزه‌های دینی بوده است. برخی از این آثار که با همین رویکرد سامان یافته‌اند عبارت‌اند از: القضا و القدر، الرد علی الدهرین؛ نیچریه، الرد علی رینان؛ الاسلام و العلم، العلم وتأثیره فی الاراده و الاختیار، التعليقات علی شرح العقائد العضدیه، مرآة العارفین، الواردات فی سر التجلیات، دین و فلسفه، سعادت و انسان، تعلیم و تربیت، تفسیر مفسر از دیگر آثار علمی اوست (ر.ک: حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۱ تا ۹؛ جبرئیلی، ۱۳۹۱ش، ص ۹۷-۱۰۷).

کارکرد علوم مختلف در مباحث کلامی

با مراجعه به آثار سیدجمال به خوبی به این نکته پی خواهیم برد که وی در اکثر علوم اسلامی صاحب‌نظر بوده و در بحث‌های کلامی خود به خوبی از آنها بهره برده است و از آنجایی که موضوع و اهداف علم کلام به گونه‌ای است که آن را با علوم مختلف عقلی و نقلی مرتبط می‌سازد نقش هرکدام از این علوم در مباحث کلامی سیدجمال به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف: علوم عقلی

۱. هستی‌شناسی از منظر سیدجمال

هستی‌شناسی یکی از پایه‌ها و مبانی مهم معرفتی محسوب می‌گردد که برای کشف و تبیین روش و هندسه معرفتی صاحبان اندیشه بسیار مهم و حائز اهمیت و کاربردی می‌باشد. بخش عظیمی از شناخت هستی در واقع شناخت مسائل مربوط به روابط عالم طبیعت با عوالم مافوق خود است. به عبارت دقیق‌تر؛ مربوط است به سیر نزولی هستی از لاهوت تا طبیعت و سیر صعودی طبیعت به عوالم بالاتر، مخصوصاً در مورد انسان که به نام «مبدأ و معاد» خوانده می‌شود که این مقوله، حجم بسیاری از مطالب را در هندسه فکری سیدجمال به خود اختصاص داده است. دو مؤلفه اندیشه توحیدی و معاداندیشی در گفتمان سیدجمال حضوری مستمر و پررنگ دارند. بر مبنای جهان‌بینی توحیدی، مجموعه هستی نظامی واحد و مرکب از غیب (نهان و ناپیداها) و شهود (عیان و پیداها) است. یکی از اساسی‌ترین اصول در جهان‌بینی الهی - که سیدجمال نیز مروج و مبلغ آن است - آن است که هستی، منحصر در محسوسات نیست، چراکه هستی علاوه بر مشهودات، از بخش دیگری به نام «غیب» نیز برخوردار است (صدری‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۲۹-۲۸).

در باورمندی به غیب و شهود، در هندسه معرفتی سیدجمال، نه تنها عقل و خرد تحقیر نشده و تنزل مقامی نیافته است؛ بلکه در مرتبه وجودی خود از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و عقلانیت و باور به غیب و شهود از همگرایی و تعاضد نیز برخوردار می‌باشند. یکی از نکات برجسته باور به غیب و شهود عرفانی سیدجمال، گره‌زدن بین این باورها با مسائل سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی است. البته پرداختن و پردازش این موضوع، مقاله مستقلی را می‌طلبد.

سیدجمال در جایی دیگر با اشاره به مسئله «عالم غیب» چنین می‌گوید: «انسان نیازهای بسیاری دارد، مایحتاج غیر قابل شمارش است و هرآنچه حاجت او را برآورده می‌کند و مایحتاج او را پرداخت می‌کند، در پشت حجاب ناپیدایی مستور شده و زیر حجاب غیب پنهان است.» (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۵۵).^[۲]

اما نکته قابل توجه در آثار بیانی و بنانی سیدجمال، نقد و رد استمداد از غیب بدون تلاش و کوشش است. وی اصل اعتقاد عالم غیب و شهود را پذیراست؛ ولی در مقابل استمداد و امید به غیب بدون رعایت اسباب و علل ظاهری موضع می‌گیرد و اعتقاد بدون تلاش و کوشش را دست‌مایه‌ای برای سستی و تنبلی و محافظه‌کاری برمی‌شمرد و تصریح دارد که استمداد از عالم غیب بدون تلاش و بهره‌مندی از اسباب ظاهری، امری نامعقول و ناصواب است (همان، ج ۵، ص ۱۳۱).

یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی و اساسی هستی‌شناختی سیدجمال، معادباوری و جاودانگی است. سیدجمال با استناد به این گرایش ذاتی در انسان‌ها به حقیقت معاد و جاودانگی و ابدیت اشاره می‌کند که انسان به مقتضای حب ذات، نه می‌خواهد و نه دوست دارد که بعد از مرگ، مهمل و بیهوده و نابود گردد؛ زیرا چنین اعتقادی برای نفس آدمی موجب ناراحتی و برای روح

آدمی موجب قبض و رنج و گرفتگی است. انسان امیدوار است که بعد مرگ و فناى ظاهری، دوباره مبعوث گردد و برای او معاد و حیاتی همراه با ابدیت رقم بخورد (همان، ج ۶، ص ۱۷۷)^[۳]. از منظر سیدجمال انسان به دلیل برخوردارى از بُعد روحانى که قطره‌ای از روح الهی است که با وجود آدمی سرشته شده است، موجودی فناپذیر است که به سوی ابدیت، یعنی خدای بی‌نهایت، در حال حرکت است. در واقع زندگی دنیا، مقدمه‌ حیاتی ابدی و جاودان است. در مجموع سپهر فکری - معرفتی سیدجمال را می‌توان بر اساس نگاه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی وی دید و ملاحظه کرد.

۲. معرفت‌شناسی و نگاه سیدجمال به آن

معرفت، زیربنای حرکت فکری و رفتاری افراد بشر است و برای تبیین و تحلیل اندیشه و کردار انسان‌ها در مرتبه نخست باید به سراغ درک صحیح از مبانی معرفت‌شناختی آنان رفت و میزان درک و عمق فهم ایشان از مسائل طرح شده در حوزه معرفت‌شناختی را ارزیابی نمود. سیدجمال با تأکید بر اهمیت این مسئله و با اشاره به این اصل بنیادین درباره «معرفت» می‌گوید: «میل معرفت علل و اسباب حوادث و حب دانستن خواص و آثار اشیاء، باعث فتح ابواب منافع بر روی انسانهاست... و این میل معرفت است که قوام انسانیت انسان است و بدین [میل معرفت]، از سایر حیوانات امتیاز یافته است و اعظم سعادت‌ها و نیکبختی‌ها را به واسطه این استحصال نموده است.» (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ص ۱۵۰-۱۴۹).

معرفت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه در تقسیم‌بندی‌های جدید آن است که به مسائلی درباره تعریف، امکان، دامنه، انواع، ساختار و اعتبار معرفت یا علم می‌پردازد (غفاری، ۱۳۹۵، ص ۵۳). در نگاه أدق، بین دانش (Knowledge) و علم (Science) تفاوت وجود دارد؛ زیرا «دانش» معنایی عام‌تر، جامع‌تر و کلی‌تری نسبت به «علم» را دربر می‌گیرد و «علم» را باید به نحوی زیر مجموعه «دانش» به‌عنوان تمامی آگاهی‌های انسانی تلقی نمود. بنابراین معرفت‌شناسی دانشی است که درباره مسائلی همچون حقیقت (حسین‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۴) و چیستی معرفت‌های انسان، منابع یا راه‌های دستیابی به آنها، اقسام و ارزشیابی انواع آنها و تعیین معیار صدق و کذب‌شان بحث می‌کند (همو، ۱۳۹۷، ص ۳۲). به تعبیری دیگر، دانش معرفت‌شناختی، به اقسام معرفت، ارزش آن و ملاک ارزش می‌پردازد (معلمی، ۱۳۸۶، ص ۲۶). سیدجمال بر این باور است که مراد از معرفت‌شناختی، شناخت معرفت و آگاهی است و به عبارت دیگر معرفت همان تصدیق است، تصدیقی که متوقف بر تصور می‌باشد (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۲۶۵؛ ج ۲، ص ۱۱۳-۱۰۹). بنابراین از نگاه سیدجمال معرفت‌شناختی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: دانشی که درباره معرفت‌های انسان بحث می‌کند و معیار صواب یا ناصواب بودن معرفت‌های بشری را معین می‌نماید.

هر چند معرفت‌شناسی به صورتی که امروزه به عنوان شاخه‌ای مستقل از دانش انسانی مطرح است در گذشته مطرح نبوده است ولی سیدجمال مانند دیگر متکلمان مسلمان در مناسبت‌های گوناگون به این بحث مهم نیز توجه داشته و در مواردی به طرح مباحث آن پرداخته است. بحث‌هایی که درباره علم، نظر، تعقل، ادراک، تصور، تصدیق مطرح کرده است از این قبیل است (همان، ۲۶۵:۷)، (همان، ۹: ۱۱۵) وی در مقاله «العلم و تأثیره فی الاراده و الاختیار» (همان، ۲: ۱۰۷-۱۲۶) بیشتر به مباحث معرفت‌شناسی پرداخته است.

۳. منابع معرفت

از لابه‌لای سخنرانی‌ها و مکتوبات سیدجمال، می‌توان دیدگاه وی را درباره منابع معرفت کشف و استخراج نمود. ایشان فراوان از قرآن کریم (همان، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۵-۲۰۴-۲۰۰-۱۶۲)، سنت پیامبر اسلام (ص) (همان، ص ۲۲۶-۱۹۴)، عقل صریح (همان، ص ۲۰۲-۹۶)، فطرت (همان، ص ۹۶)، الهام (همان)، اجماع (همان، ص ۱۶۵)، سیره متشرعه (همان، ص ۲۱۴)، تاریخ (همان، ص ۹۶) و حس و تجربه نام برده، استناد نموده و استفاده کرده است. سیدجمال بر این باور است که مسلمانان باید در کسب معرفت دینی و همچنین حل نیازهای بشری از این منابع بهره بگیرند. می‌توان گفت بحث درباره منابع و ابزارهای معرفت دینی، از مبحث منابع معرفت بشری جدا نیست؛ زیرا معرفت دینی، خود به‌گونه‌ای از معرفت بشری و زیر مجموعه آن است. از این رو، منابع معرفت دینی و معرفت غیردینی مشترک‌اند (حسین‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۲۵۵). هرچند برای دستیابی به معرفت دینی، افزون بر منابع مشترک (حس، عقل، شهود، نقل)، می‌توان منابع اختصاصی (همانند: وحی، الهام و تجربه دینی) را برشمرد.

رویکرد کلی سیدجمال، بیش از آنکه نقلی باشد، عقل‌گرایانه است و برای عقل منزلت و جایگاه والایی را قائل است، هرچند همواره قلمرو عقل و محدودیت آن را نیز مدنظر دارد و سعی در طی طریق در مسیر اعتدال دارد و از اصول و چارچوب عقلانیت دینی و فلسفه اسلامی تعدی ننموده است. سیدجمال در عین پابندی به مبانی و اصول صحیح الهی، بر عقل‌گرایی و بهره‌مندی از نعمت والای عقل صریح در درک و توجیه این مبانی معرفت تأکید دارد و در این باره می‌گوید: «تا عقل نباشد معرفت، فهم، سعادت و بصیرت حاصل نمی‌گردد.» (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۳).

۴. منطق

وی علم منطق را علم میزان افکار می‌نامد و برای شخصی که خواهان تمیز حق از باطل و صحیح از فاسد است آن را ضروری می‌داند (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ۹: ۱۳۲). ایشان در آثار کلامی خویش غالباً به‌صورت کاربردی از مباحث منطقی مختلفی همانند: انواع حجت‌های منطقی (قیاس، تمثیل، استقراء) استفاده نموده است (همان، ۶: ۳۴۹)، (همان، ۷: ۶۹-۲۶۶-

۴۷۳). چنان‌که از نظر ماده استدلال نیز از صناعات متنوعی مثل برهان، جدل و خطابه بهره گرفته است (همان، ۷: ۴۶-۵۰-۱۶۱-۱۹۰-۲۰۹). همچنین به مناسبت بحث‌های فلسفی، مفاهیم منطقی مثل کلی، جزئی، جنس، ماده، مفهوم و مصداق و... را تبیین می‌کند (همان، ۷: ۴۳۰)، (همان، ۹: ۱۱۶).

۵. فلسفه

سیدجمال که علوم عقلی و فلسفه را از استادان مدرسه قزوین، تهران و نجف فراگرفته بود در هنگام اقامت در مصر به تدریس آثار فلسفی همچون «الاشارات، الهدایه، الشفا و حکمه‌العین و حکمه‌الاشراق» پرداخت (رشیدرضا، ۱۴۲۷ق، ۱: ۲۶). وی علاوه بر طرح مسائل فلسفی و مقدمه قرار دادن آنها در اکثر آثار خود، در لابه‌لای مسائل کلامی نیز از مسائل و مفاهیم فلسفی بهره برده است؛ همانند این بیان که می‌گوید: «امور این عالم منقسم می‌شود به امور حقیقه نفس‌الأمریه که جهات وجودی در آن غلبه دارد و امور باطله سراییه، که جهات عدمی در آنها غلبه دارد» (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ۹، ۲۴۴). ایشان در رساله «فوائد فلسفه» از آثار و تألیفات فیلسوفانی همچون فارابی، ابن سینا، ابن ماجه، ابن رشد، سهروردی، میرداماد، ملاصدرا و دیگران به بزرگی یاد می‌کند و طالبان حقیقت و انسانیت را به عبور از منازعات لفظی و رسیدن به حقیقت فلسفه دعوت می‌نماید و می‌گوید: «فلسفه؛ خروج از مضیق مدارک حیوانیت است به سوی فضای واسع مشاعر انسانیت و ازالة ظلمات اوهام بهیمیّه است و دخول در مدینه فاضله دانش و کاردانی و بالجمله صیوروت انسان است» (همان، ۱۴۲۳ق، ۹، ۱۰۵). وی فلسفه را در راستای تهذیب اخلاق و تنویر قوه عاقله انسانی در جهت تأمین حیات مقدسه و مدینه فاضله و غایت آن «کمال انسانی» تعریف می‌کند و سعی در تبیین کارکرد اجتماعی آن دارد.

ب: علوم نقلی

۱. تفسیر

قرآن کریم در نظام فکری و هندسه معرفتی سیدجمال از جایگاهی رفیع و نقشی محوری برخوردار است و از ابتدای طفولیت و رشد و تعالی علمی و روحی سیدجمال همواره حضور مؤثری داشته و زیربنای اندیشه‌های وی را تشکیل داده است. این مسئله را می‌توان از ایده‌های او درباره جهان اسلام و تکیه فراوان او به آیات قرآن در حوزه مسائل مورد دغدغه او به دست آورد.

ارتباط سید با قرآن به دوران کودکی او باز می‌گردد. سید به پیروی از شیوه متداول تحصیلی در آن زمان، مقدمات را با خواندن قرآن آغاز کرد، و بنا به نقلی در ده سالگی قرآن را حفظ بود (ابو حمدان، ۱۹۹۲م، ۱۵).

نام مجله معروفی که سیدجمال با همکاری شیخ محمد عبده منتشر ساخت و در جهان اسلام تأثیرگذار بود نیز برگرفته از قرآن کریم است (العروه الوثقی) که بیشتر مقالات این مجله با آیه‌ای از آیات نوربخش قرآن مجید آغاز گردیده است. می‌توان حجم استفاده از آیات قرآن کریم در آثار بیانی و قلمی موجود از سیدجمال را بالغ بر ۱۳۵ مورد برشمرد.

هرچند سیدجمال اثر مستقل در تفسیر ندارد ولی نکات تفسیری متعددی ذیل آیات قرآنی در میان آثار و مقالات وی وجود دارد. او در مقاله «تفسیر مفسر» به نقد روش تفسیری سید احمد خان هندی پرداخته و دیدگاه‌های خود را نیز ارائه کرده است (همان، ۱۴۲۳ق، ۹، ۱۸۷ - ۱۹۶). وی به صورت تحلیلی - استنادی به تفسیر آیات قرآن پرداخته است و در عرصه تفسیر سبک نوینی را با توجه به برطرف نمودن نیازهای جامعه بنا نهاد که بعدها به «سبک تفسیر اجتماعی» از قرآن نام گرفت. به عنوان مثال با استناد به آیه یازدهم از سوره رعد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ آحاد مردم را مسئول انحطاط و عقب ماندگی جامعه معرفی می‌کند و تأکید می‌کند اگر خواهان جامعه‌ای مترقی و متعالی، همراه با عزت و شوکت و پیشرفت هستند باید از خویشتن اصلاح را آغاز کنند و تلاش و پشتکار داشته باشند (السیدجمال الحسینی، ۱۴۲۳ق، ۹، ۶۳)، (همان ۱۴۲۳ق، ۱، ۲۰۰-۲۰۵).

از نگاه سید جمال، فراموش کردن قرآن مجید، غافل شدن از خداوند سبحان است و نتیجه، آن ذلت و خواری و از دست دادن شرافت و کرامت انسانی است. بر همین اساس با استناد به آیه شریفه: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) در خصوص آمادگی دفاعی و نظامی می‌گوید: به طور قطع، هدف جنگ و خونریزی نیست، بلکه همان گونه که در بخش بعدی آیه آمده است: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»، «تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید». دستور خدا برای اعلاء و آماده کردن قوای نظامی برای جنگ و کارزار و خونریزی نیست، بلکه فقط برای ارباب و به وحشت انداختن و ترس ایجاد کردن در دشمن است تا آنان که به دنبال جنگ و خونریزی هستند، بترسند و از قتل و کشتار مردم خودداری کنند (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص ۱۳۶).

اتفاقاً این روش تکثیر عده و عده و آماده کردن توان و قوه اگر به قصد بازدارندگی باشد، نه جنگ و خونریزی، خود بهترین و اثرگذارترین راه و وسیله برای جلوگیری از جنگ و خونریزی است (همان، ص ۱۳۷). با توجه به اینکه مراد از کلمه «تُرْهِبُونَ»، «بازدارندگی» است، مراد آیه شریفه از آمادگی دفاعی و جمع آوری نیرو و قدرت خویش به نحوی است که توان بازدارندگی ما را در مقابل دشمنان افزایش دهد و صرفاً با هدف جنگ و

خونریزی نیست. این بازدارندگی توان دفاعی را باید به حدی از آمادگی رساند که دشمنان حتی فکر تعدی و دست‌درازی به کشورهای اسلامی را نکنند. سیدجمال تصریح می‌کند که سستی و کوتاهی در تهیه توان و قوه دفاعی موجب از بین رفتن ملک و فرو افتادن در قعر خطر است، و خداوند با آیه «وَأَعِدُوا لَهُمْ» به آماده بودن امت و دولت اسلامی دستور داده است (همان، ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۸۵ و ۱۸۶). او می‌خواست روح مبارزه و جهاد را به کالبد نیمه‌جان جامعه اسلامی بدمد و غیرت اسلامی را به جوش آورد و اصل فراموش شده جهاد را احیا کند. او فراموش شدن این اصل را عامل بزرگی برای انحطاط مسلمین تلقی می‌کرد (مطهری، ۱۳۸۵، ۲۴، ۴۱). به نظر سید جمال، مسلمانان در برابر حکومتی که مصمم به نابودی اسلام است، راهی جز توسل به زور ندارند (عنایت، ۱۳۸۵، ۸۴).

اندیشه احیای تفکر قرآنی در تمام سفرهایی که سیدجمال به سرزمین‌های مختلف داشت همواره با او همراه بود. سیدجمال در مدت اقامت خود در روسیه اجازه چاپ قرآن را از امپراتور روس گرفت، ولی در نهایت مأموران دولتی با او همراهی نکردند (واتقی، ۱۳۵۵، ۱۵۳). ایشان تنها راه برون‌رفت از انحطاط و عقب‌ماندگی جامعه اسلامی را «بازگشت به قرآن» و عمل به دستورات رهایی‌بخش آن معرفی می‌کند و در این باره به مناسبتی گفته است: «... آقایان مدینه فاضله انسانی و صراط مستقیم سعادت بشری «قرآن مجید» است. گرامی دستور مقدسی که نتیجه شرافت کل ادیان حقه عالم و برهان قاطع خاتمیت مطلقه دین اسلام الی یوم القیامه و ضامن سعادت دارین و فوز نشأتین است... راه علاج به امنیت که هر فردی از افراد مسلمانان بر طبق قرآن طابق النعل بالنعل باید عمل نماید. که خداوند فرمود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ.» (عنکبوت: ۶۹) (واتقی، ۱۳۵۵، ۷۹-۸۱).

در یک ارزیابی کلی و با توجه به حجم استفاده از آیات قرآن کریم در آثار سیدجمال و استنادهای مکرر وی به آنها، چند نکته به دست می‌آید:

۱. در نظام فکری سید، قرآن نقش محوری برعهده دارد.
۲. سیدجمال ایده‌هایش را برای جهان اسلام از آیات قرآن و منطبق بر آن سمت و سو داده است.
۳. سیدجمال به ابعاد اجتماعی قرآن و برنامه‌های مؤثر آن در عرصه‌های زندگی دنیوی و حل معضلات جامعه بشر امروزی توجه و اهمیت خاصی قائل بوده است و کوشیده است هرچه بیشتر این حضور را فعال‌تر و تأثیرگذارتر در تمام شئون اجتماعی زندگی انسان‌ها تبیین و جاری سازد و تلاش دارد مسلمانان را برای عمران و آبادانی جامعه

خویش به تلاش و حرکت ترغیب نماید.

۲. حدیث

سیدجمال، بحث مستقلی درباره حدیث ندارد، ولی در مواردی به صورت استنادی و استشهادی به احادیث اشاره دارد و از حدیث بهره برده است. به عنوان مثال در کتاب *التعلیقات علی شرح العقائد العزیدیة* در جهت تنویر، تمثیل و تأیید مطالب از احادیث استفاده کرده است (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ۷: ۱۵۵-۱۵۹). همچنین در مسئله حقوق زن و قلمرو حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و شرکت در معرکه جنگ و قتال به حدیث و سیره ائمه «علیهم السلام» استناد می‌نماید (همان، ۶: ۱۰۳-۱۰۴).

سیدجمال در تجلیل از علما و اندیشمندان بلاد فارس به این حدیث از نبی مکرم اسلام «صلی الله علیه وآله وسلم» اشاره می‌نماید که فرمودند: «لو كان العلم في الثريا لنالها رجال من فارس» و سپس به خدماتی که علمای بلاد فارس به اسلام و جامعه مسلمین و جهان بشریت داشته‌اند می‌پردازد (همان، ۱: ۱۹۴-۱۹۵).

۳. تاریخ

سیدجمال مورخ نیست اما تاریخ‌دان هست. او دو کتاب مستقل درباره تاریخ ایران و افغانستان تألیف نموده است (همان، ج ۵) و در جاهای متعددی از مباحث کلامی به ویژه در دین و نبوت از مباحث تاریخی بهره برده است. به ویژه با استناد به تاریخ صدر اسلام و بیان ویژگی‌ها و خصوصیات آن عصر به تبیین مباحث کلامی و اجتماعی آنها پرداخته است. به عنوان مثال در مسئله قضا و قدر و آثار اجتماعی آن به دوران عزت و شوکت حکومت‌های اسلامی استناد می‌کند و در هنگام بحث از انواع حکومت به ذکر نمونه‌ها و مصادیق می‌پردازد (همان، ج ۱: ۱۴۵-۱۴۷).

در مسئله جدید کلامی «علم و دین» یکی از عوامل پیشرفت جوامع و ملت‌ها را «علم» معرفی می‌کند که هم عامل ترقی و تکامل و هم بازدارنده از جهل و انحطاط است و برای اثبات آن به حوادث و رویدادهای تاریخی صدر اسلام و یادآوری دوران شکوهمند پیشرفت و ترقی دولت‌های اسلامی پرداخته است. در موارد متعدد از تاریخ گذشتگان، سلف صالح، عالمان، اندیشمندان و حتی فاتحان و کشورگشایان نیز نام می‌برد و به وفور یاد می‌کند و با این تذکار سعی در هویت‌بخشی به جامعه معاصر خویش دارد و در صدد یادآوری عزت و شوکت اسلامی و پندگیری از آنان است (همان، ج ۱، ۱۵۷ و ۱۹۴). همچنین در

رساله «نیچریه» که در ردّ مادی‌گرایان تألیف نموده است نیز در مقدمه کتاب به تفصیل از تاریخ فلسفه با ذکر شخصیت‌ها و رویکردهای آنان بحث کرده است و فراوان به وقایع و حوادث تاریخی اشاره و استناد می‌نماید و آنها را تحلیل و نقد می‌کند چنان‌که در بیان انواع حکومت‌ها به تبیین حکومت‌های مطلقه، مشروطه و جمهوریت می‌پردازد (همان، ج ۹، ۱۲-۴۸).

۴. علوم طبیعی

سیدجمال در مباحث کلامی خود به مناسبت از علوم طبیعی نیز بهره گرفته است. در امر هستی‌شناسی و اتقان صنع و نظام احسن، صغرای استدلال را با مباحث علوم طبیعی اثبات می‌کند (همان، ج ۹: ۱۴۱-۱۵۱). وی به مناسبت رد دیدگاه مادی-گرایان و همچنین رد دیدگاه داروین در مسئله تکامل انسان نیز با تبیین مسئله از طریق علوم طبیعی درصدد پاسخگویی برآمده است (همان، ج ۶: ۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶).

جایگاه معرفت عقلی در روش کلامی سیدجمال

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های کلامی سیدجمال «عقل‌گرایی» است. به نظر وی عقل صریح یکی از منابع اساسی شناخت و معرفت است که برای فهم معارف دینی و درک عقاید اسلامی ضرورتی غیر قابل انکار دارد. او در این زمینه می‌گوید: «دین اسلام هر جا خطاب به «عقل» می‌کند جمیع سعادات را نتایج خرد و بینش می‌شمارد و ضلالت را به بی‌عقلی و عدم بصیرت نسبت می‌دهد.» (همان، ۱۴۲۳ق، ۲: ۱۹۴).

با بررسی آثار سیدجمال می‌توان دریافت که ایشان حجیت عقل را قطعی می‌داند و در موارد متعددی به اهمیت و جایگاه و بهره‌مندی از آن ارشاد و تأکید دارد و در این باره می‌گوید: «الناس إنما يتفاضلون بالعقل... و اول ركن بنى عليه الدين الإسلامى صقل العقول بصقال التوحيد وتطهيرها من لوث الأوهام...» (همان، ۱۴۲۳ق، ۲: ۱۹۱-۱۹۲). وی با تأکید بر حجیت عقل و به کمک آن به تبیین مسائل کلامی پرداخته است.

با توجه به تقسیم ادراکات عقل به نظری و عملی؛ فهرستی از کارکرد عقل نظری و عملی در آثار ایشان ارائه می‌شود:

۱. عقل نظری

۱-۱: اثبات صانع (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ۹: ۱۴۱-۱۵۱).

۱-۲: صفات الهی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷: ۲۹۵)، (همان، ۳: ۵۹)، (همان، ۷: ۳۱۷-۳۴۸).

- ۱-۳: ضرورت نبوت (همان، ۱۴۲۳ق، ۷: ۶۳)، (همان، ۳: ۱۳۳)، (همان، ۲: ۷۳).
- ۱-۴: عصمت انبیاء (همان، ۱۴۲۳ق، ۷: ۱۳۳-۱۳۴)، (همان، ۱: ۲۰۳)، (همان، ۲: ۷۳).
- ۱-۵: وجوب معاد (همان، ۱۴۲۳ق، ۶: ۱۷۷)، (همان، ۹: ۲۴۹-۲۵۰)، (همان، ۷: ۱۶۰).
- ۱-۶: ثواب و عقاب (همان، ۱۴۲۳ق، ۶: ۱۷۷)، (همان، ۷: ۴۷۴).
- ۱-۷: فاعل بودن انسان (همان، ۱۴۲۳ق، ۹: ۲۴۲)، (همان، ۷: ۳۰۹).
- ۱-۸: محال بودن رؤیت خدا (همان، ۱۴۲۳ق، ۷: ۹۷-۹۸-۹۹)، (همان، ۷: ۴۶۳).
- ۱-۹: واحد بودن خدا (همان، ۱۴۲۳ق، ۵: ۳۰)، (همان، ۷: ۸۸-۸۹-۹۰).

۲: عقل عملی

- ۲-۱: عدل الهی (همان، ۱۴۲۳ق، ۱: ۲۱۵-۲۰۰).
- ۲-۲: حسن و قبح (همان، ۱۴۲۳ق، ۷: ۸۷-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰).
- ۲-۳: قضا و قدر (همان، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۴۸-۱۴۰)، (همان، ۲: ۸۹-۸۱).
- ۲-۴: استحقاق ثواب و عقاب (همان، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۴۲)، (همان، ۶: ۲۸۹)، (همان، ۷: ۶۷).
- ۲-۵: جبر و اختیار (همان، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۴۲)، (همان، ۲: ۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰).
- ۲-۶: تکلیف (همان، ۱۴۲۳ق، ۷: ۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰).

سیدجمال دلالت عقل را به مراتب بیشتر از سایر دوآل می‌داند البته او با تأویلات نابجا و بدون قرینه به شدت مخالف است ولی در صورت ناسازگاری اخبار با دلایل عقلی در صورت تأویل پذیری قائل به تأویل آنها می‌باشد (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۳۴۸). به نظر سید تعالی و طهارت عقل از اوهام محتاج شرع و وحی است (همان، ۱۴۲۳ق، ۲، ۱۹۱).

جایگاه معرفت نقلی در روش کلامی سیدجمال

سیدجمال قائل به حجیت قرآن و محوریت آن در مناسبات اجتماعی است و راه حل و برون‌رفت از انحطاط و مشکلات جامعه را در بازگشت به قرآن می‌داند. در موارد بسیاری در ارائه و تبیین مباحث کلامی با استناد به آیات قرآن و محور قرار

دادن آن به تبیین عقلانی از آیات قرآن می‌پردازد و سعی در تبیین هر چه دقیق‌تر مسائل کلامی و اجتماعی اسلام با محوریت قرآن کریم دارد (همان، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۴۴-۱۷۶-۲۰۵)، (همان، ۱۴۲۳ق، ۳: ۱۴۲)، (همان، ۱۴۲۳ق، ۹: ۱۰۳).

وی در اکثر موارد که به نصوص اسلامی استناد می‌کند قرآن و حدیث را در کنار هم یاد می‌کند و این دو را مبین و مفسر یکدیگر می‌داند و به عنوان منابع شناخت و معرفت به آنها احتجاج می‌نماید (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۴۶۴). به‌عنوان مثال در بحث «شفاعت» و برای اثبات اذن شفاعت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) برای اهل کبائر از امت اسلامی به آیات (يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا)؛ (طه / ۱۰۹) و (مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ)؛ (بقره / ۲۵۵) و (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)؛ (انبیاء / ۱۰۷) احتجاج می‌نماید و آنها را دلیل بر شفاعت پیامبر اسلام و عمومیت آن معرفی می‌کند (همان، ۱۴۲۳ق، ۷: ۱۲۷-۱۶۰) و یا در مسئله «نفی کثرت‌گرایی دینی» به آیه شریفه (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ (توبه / ۳۳) و آیه (إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ * أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...)؛ (زمر / ۲، ۳) استناد نموده است (همان، ۱۴۲۳ق، ۶، ۱۸۰). همچنین در مسئله نفی رؤیت بصری خدا به آیات (إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ)؛ (قیامت / ۲۳) و (لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ)؛ (انعام / ۱۰۳) استشهاد کرده است (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۴۶۳).

سیدجمال و کلام اجتماعی

«کلام اجتماعی» را می‌توان شاخه‌ای از «کلام اسلامی» دانست که درصدد استنباط و توضیح ابعاد، آثار و کارکردهای اجتماعی آموزه‌های اعتقادی است و آنها را تبیین می‌نماید و برای اثبات آنها استدلال می‌آورد و از آنها دفاع می‌کند. «کلام اجتماعی» - چنان‌که از نامش پیداست - دو ویژگی دارد:

اول: از آن نظر که «کلام» است، جنبه تبیینی، اثباتی و دفاعی دارد.

دوم: از آن نظر که «اجتماعی» است، به ابعاد و آثار اجتماعی آموزه‌های اعتقادی می‌پردازد.

«کلام اجتماعی» در عصری پا به عرصه فکر و فرهنگ نهاد که شبهات کلامی و اعتقادی، باورهای دینی را هدف قرار داده بود و سیدجمال به دلیل مسافرت‌های زیادی که به کشورها و ممالک اسلامی و همچنین کشورهای اروپایی داشت از نزدیک دردهای اجتماع و مشکلات مسلمانان را درک کرد و از نیازهای جامعه و مسائل اجتماعی آگاهی یافت و درصدد پاسخگویی به شبهات و نقد و بررسی آنها برآمد. با درکی عمیق از نیاز جامعه و نگرشی گسترده‌تر از پیشینیان به طرح، تبیین مسائل و

پاسخگویی به شبهات کلامی در موضوعات اجتماعی عصر خویش پرداخت. موضوعاتی همچون کارکرد دین، جامعیت دین، اعتقاد به قضا و قدر و آثار اجتماعی آن و... که در ادامه به اختصار و به قدر حوصله این مقاله به آنها پرداخته می‌شود:

۱. کارکردگرایی دین

سیدجمال فراوان به بیان فضیلت، مزایا و منافع دین پرداخته و معتقد است که دین در قوام و پایداری هیئت اجتماعی و مدنیت و ترقیات اُمم و قبایل، رکنی رکنین و اساسی محکم و عاملی فعّال برای دفع شرّ و فساد است که ملت‌ها را برپا می‌دهد، به‌شمار می‌آید (همان ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۰۵) و (جبرئیلی؛ ۱۳۹۱ش؛ ۱۱۴).

۲. فطری بودن دین

دین اولین معلم، هادی و مرشد بشریت است که او را برای کسب علوم و معرفت و گسترش معارف هدایت و ارشاد کرده است. دین آداب حسنه و اخلاق کریمه را بر اساس عدالت، شفقت و رحمت به بهترین صورت در طبیعت و نهان انسان قرار داده است (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ۳۰۴).

۳. جامعیت دین

سیدجمال قائل به «جامعیت دین» بود و بر این باور بود که دین می‌تواند سعادت دنیا و آخرت انسان را تضمین نماید؛ وی در این باره می‌گوید: «دین، مطلقاً مایه نیکبختی‌های انسان است که اگر دین بر اساس‌های محکم و پایه‌های متقن گذاشته شده باشد، البته آن دین به نهج اتم سبب سعادت تامه و رفاهیت کامله خواهد گردید، و به طریق اولی موجب ترقیات صوری و معنوی شده علم مدنیت را در جان پیروان خود خواهد برافروخت، بلکه متدینین را به تمامی کمالات عقلیه و نفسیه فائز و ایشان را به نیکبختی دو جهان خواهد رسانید.» (همان ۱۴۲۳ق، ۹، ۵۷).

۴. قضا و قدر و آثار اجتماعی آن

اهمیت مسئله «قضا و قدر» و تفاوت اساسی آن با جبرگرایی از یک سو و گمان غلط غربی‌ها و انحراف عامه مسلمانان از درک صحیح این عقیده ناب و متعالی اسلامی از سوی دیگر، موجب شد تا سیدجمال رساله‌ای، هر چند کوتاه اما پرفایده با نام «*القضا و القدر*» را در مجله «*العروه الوثقی*» عرضه کند (همان، ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۴۰-۱۴۸).

سید می‌گوید: «خلط عقیده قضا و قدر با جبر از سوی بعضی از مسلمانان عامی زمینه‌ساز برخی از مصائب و مشکلات پیش آمده در قرن‌های اخیر برای مسلمانان شده است. این قضاوت غربی‌ها که تنها علت فقر و فاقه و عقب‌ماندگی مسلمانان

در عرصه‌های قضایی، سیاسی، اخلاقی و همچنین افتراق و پراکندگی آنها در آراء و مذاهب گوناگون، اعتقاد به قضا و قدر الهی است، مردود است. چراکه هیچ‌یک از مسلمانان و فرق و مذاهب اسلامی موجود به جبر محض و سلب اختیار انسان عقیده ندارند، بلکه تمام مسلمین بر این عقیده‌اند که انسان در اعمال و کردار خود سهمی از اختیار دارد.»^[۴]

«عقیده قضا و قدر مورد تأیید فطرت و طبیعت انسانی است و براهین محکم و مستدلی نیز بر آن گواهی می‌دهند.»^[۵] به علاوه، این عقیده در ابعاد گوناگون زندگی فردی - اجتماعی انسان نیز آثار ارزشمندی دارد. قضا و قدر قوه تصمیم را در انسان تقویت می‌کند، پایه‌های اخلاق و صفات حمیده اخلاقی را تثبیت می‌نماید و در وجود انسان جرأت و صبر تلقین می‌کند.»^[۶]

سیدجمال ریشه و پایه حرکت اصلاحی خویش را بر اصلاح فکری و عقیدتی مردم بنا نهاده بود و به همین دلیل به سراغ مسئله‌ای چون قضا و قدر رفت و سعی در تبیین آن داشت؛ زیرا اگر این اعتقاد متعالی صحیح تبیین گردد، ایمان و اعتقادی راسخ به خدا و معاد و آخرت را برای انسان در پی دارد. در این صورت، انسان مرگ را پایان کار نمی‌داند، بلکه سعادت بس عظیم برمی‌شمرد که باعث حرکت در مسیر مبارزه با ظلم خواهد بود. در عین حال، اگر عقیده به قضا و قدر الهی تحریف گردد، مسلمین را زمین‌گیر و ظلم‌پذیر خواهد کرد.

سیدجمال و مسائل جدید کلامی

سیدجمال در مسائل جدید کلامی نیز دارای آراء و نظریات نوینی می‌باشد که به نوبه خود حائز اهمیت است. همچنین بزرگان و اندیشمندان، سیدجمال را جزء پیشگامان در حوزه مسائل جدید کلامی نام برده‌اند (سبحانی، ۱۰، ۱۳۸۲). موضوعاتی را که وی در این حوزه به آنها پرداخته عبارت‌اند از: علم و دین، عقل و دین، کثرت‌گرایی دینی که به آنها اشاره خواهد شد:

۱. علم و دین

سیدجمال ضمن تجلیل فراوان از «علم»، تصریح می‌کند که علم نه حد و پایانی دارد و نه محسنات و زیبایی‌هایش قابل اندازه‌گیری است. علم سلطان عالم است. به غیر علم، سلطنت و پادشاهی نبوده، نیست، و نخواهد بود. «علم عامل هر پیروزی و گسترش و بسط قدرت است. جمع ثروت و بی‌نیازی نتیجه علم است، چراکه غنا و ثروت نتیجه تجارت، صناعت و زراعت است. آنها نیز حاصل نمی‌شوند مگر به علم... سلطان عالم علم است. اگر علم از عالم انسانی برآورده شود، دیگر انسانی در عالم باقی نمی‌ماند.» (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ص ۱۲۸-۱۲۹). به نظر او، مهم‌ترین وظیفه حکومت‌ها - هر چند در راستای تأمین منافع خود - تلاش در تأسیس علوم و نشر معارف است. «آری، قوام علم و حیات آن به برهان و دلیل است، هر جا که

حق باشد برهان نیز آنجاست و در این ادیان نزدیک‌ترین شان به علوم و معارف، دیانت اسلام است و هیچ منافاتی میان دین اسلام و علوم و معارف نیست.» (همان).

سیدجمال در تلاش بود تا تحلیلی برای جمع بین علم و دین ارائه کند که هم میباید دیدگاه اسلام ناب باشد که خود مبلغ تحصیل علم و مروج تعلیم و تعلم است، و در عین حال، به عنوان یک عالم مصلح، این اشکال مطرح در جامعه را پاسخ بگوید که آیا دین با علم منافات دارد؟ تحلیلی که سیدجمال ارائه می‌دهد جمع بین علم و دین را در پی دارد و باید گفت که به نظر سید جمال، علم و دین مکمل یکدیگر و دو بال پرواز آحاد جامعه به سمت سعادت و سربلندی هستند.

۲. عقل و دین

در این باره از سیدجمال به صورت کلی سخن بسیار است و ایشان برای تبیین هر چه شفاف‌تر نحوه تعامل عقل و دین در خلال آثار خویش بدان پرداخته و چنین می‌گوید: «هرچند دین امری فطری است، اما «عقل» بشری آن را از انبیا و رسولان گرفته است که بر روح و روان انسان سایه افکنده او را به رشد و تعالی می‌رساند.» (همان ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۱۷)^[۷]

سیدجمال رابطه عقل و دین را دوسویه می‌داند، بدین معنا که عقل، حجیت دین را اثبات می‌کند و تحقق می‌بخشد و دین، صفابخش و تعالی‌دهنده عقل خواهد بود (همان، ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۱۴-۱۱۷) و (همان، ۱۴۲۳ق، ۹، ۵۸).

۳- کثرت‌گرایی دینی

در اندیشه سید «در میان ادیان موجود، دین حق یکی است و ادیان الهی «مسیحیت، یهود و اسلام» مرحله تکمیلی برای رسیدن به آن حق مطلق به‌شمار می‌آیند که هر یک مکمل و متمم دین قبلی است. هر چند که در میان ادیان الهی، اسلام جامع‌تر، معقول‌تر، روزآمدتر و در یک جمله، برخوردار از حقانیت مطلق است، راه و صراطی که پیامبر اکرم از طرف خدا ترسیم و تعریف کرده است «الصراط المستقیم» است که همگی به تبعیت از آن و ترویج و ارشاد آن موظف‌اند. اسلام اگر آن‌گونه که حقاً و واقعاً هست، شناخته و تعریف شود، حتماً نورانیت و عدالت آن تمام جهان را فرا خواهد گرفت.» (همان ۱۴۲۳ق، ج ۱، ۱۲۱؛ ج ۹، ۴۱-۵۷-۶۰؛ ج ۷، ۱۵۵؛ ج ۶، ۱۸۰). البته اسلام در عین حال که از حقانیت مطلق برخوردار است، در رفتار کثرت‌گراست؛ زیرا با ورود اسلام به ممالک و کشورها و پیروزی بر اقوام و ملل و ادیان دیگر با آنها رفتاری مسالمت‌آمیز داشته دین و عقاید آنها را محترم شمرده و حق آنها در مقابل حق‌الزحمه را رعایت کرده با مسامحه و مسالمت با مردمان آنها رفتار نموده از هر گونه تعصب و عصبیت در رفتار پرهیز کرده است (همان ۱۴۲۳ق، ج ۶، ۳۰۴-۳۰۵) و (همان، ج ۳، ۳۱).

شیوه مواجهه سیدجمال با فرق و آراء کلامی

سیدجمال با آگاهی که نسبت به آراء و باورهای ادیان و سایر مذاهب داشته است در کنار تبیین صحیح آموزه‌های اعتقادی به نقد و بررسی اندیشه‌های عالمان و نظریه‌پردازان آنها نیز پرداخته است. ابتدا آراء و نظریات ایشان درباره ادیان و مکاتب و سپس در مورد فرق و مذاهب مختلف بررسی می‌شود:

الف: ادیان و مکاتب

سیدجمال به دلیل گرایش اجتماعی که دارد، در مورد ادیان آسمانی (یهودیت و مسیحیت و اسلام) از یک نگاه «همگرایانه» برخوردار است و سعی در ایجاد وحدت میان ادیان دارد و این سه را تکامل یافته از یکدیگر می‌داند بدین معنا که مسیحیت، تکامل یافته از دین یهود و اسلام را متکامل از آن دو معرفی می‌کند و این ادیان سه‌گانه را دارای خط و مشی و حقیقتی واحد ترسیم می‌نماید (همان، ۱۴۲۳ق، ۶، ۱۸۰) و (همان، ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۱۶-۱۲۱). ولی در کنار این نگاه همگرایانه نقدها و اشکالات متوجه باورهای غلط آنان را نیز بازگو می‌کند. به‌عنوان مثال به تثلیث، صلیب، اعتراف و وساطت کشیشان در بخشودگی گناهان، سیطره و قدرت خداوند و عدم برتری نژاد بنی‌اسرائیل اشاره دارد (همان، ۱۴۲۳ق، ۹، ۶۰-۶۲-۱۹۵) و (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۲۵۸). او بیشتر با برشماری امتیازات دین مبین اسلام و اثبات حقانیت و شرافت او نسبت به یهودیت و مسیحیت به نقد و بررسی آنها پرداخته است (همان، ۱۴۲۳ق، ۹، ۵۸-۵۹-۶۰-۶۱).

ب: فرق و مذاهب

۱. معتزله

سیدجمال به این مذهب فکری نیز در تمام آثار کلامی خود به صورت گسترده توجه داشته و به‌عنوان نظریه رقیب در مقابل اشاعره به آراء و دیدگاه‌های معتزله و شخصیت‌های برجسته این مذهب همچون واصل بن عطا (همان، ۱۴۲۳ق، ۶، ۲۸۲-۲۸۷) و (همان، ۷، ۳۲۰)؛ جبائی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۴۳۳)؛ قاضی عبدالجبار (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۳۰۶-۴۳۳)؛ ابو الهذیل علاف (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۴۳۳) و دیگران پرداخته است.

۲. نومعتزله (اعتزال نو)

عنایت سیدجمال به مبانی اعتزال و عقل‌گرایی به‌گونه‌ای است که نومعتزلیان، روشنفکران و احیاگران معاصر از سیدجمال تجلیل می‌کنند و او را جزء آغازگران نومعتزله می‌دانند و هرگاه اندیشمندان دنیای عرب از نومعتزله سخن به میان می‌آورند،

یکی از سردمداران نومعتزله را «سیدجمال» می‌دانند (ر.ک. عرب صالحی، ۱۳۹۳، ۱۴۴-۱۴۵). نواعتزال در مرحله پیدایش و تأسیس، قرائتی نزدیک به تشیع دارد، ریشه اعتزال نو از نظر شخصیتی به سیدجمال و از منظر مبانی فکری به تشیع برمی‌گردد (همان، ۱۲۶) و می‌توان گفت نواعتزال در تشیع ریشه دارد و دلیل آن نیز این است که همه کسانی که امروزه به نواعتزال مشهورند، جملگی از یک نفر متأثرند و آن «سیدجمال» است (ر.ک. جبرئیلی، ۱۳۹۱، ۳۹ پاورقی ۱ و ۲) و دلایل متعددی وجود دارد که سیدجمال شیعه است و در تشیع ایشان نمی‌توان تردید نمود (ر.ک. همان، ۸۱-۸۸).

۳. اشاعره

سیدجمال تقریباً در تمام آثار کلامی خود به این مذهب فکری توجه دارد و آراء و دیدگاه‌های آنها را در زمینه‌های گوناگون همچون زیادت و عینیت صفات الهی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۳۱۷-۳۴۸-۴۴۲)؛ تکلم و کلام لفظی و نفسی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۴۸۵-۴۸۶-۴۹۴)؛ قدرت خدا (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۴۱۵-۴۲۹)؛ فاعل بودن انسان‌ها (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۳۰۵)؛ استحقاق ثواب و عقاب (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۳۱۵)؛ حسن و قبح عقلی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۴۷۵-۴۷۷) و... یادآور شده و نقد نموده است.

ایشان همچنین به نقل اقوال شخصیت‌های برجسته این مذهب همچون ابوالحسن اشعری (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۲۸۸-۳۱۴-۴۴۲)؛ ابوبکر باقلانی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۲۷۸-۳۱۱)؛ فخر رازی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۱۷۶-۲۳۹-۲۷۸-۳۵۴)؛ اسفراینی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۲۷۷-۳۱۱)؛ امام الحرمین جوینی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۱۶۳-۲۷۸-۳۰۵)؛ و... نیز اهتمام داشته است.

۴. فرق و مذاهب دیگر

در آثار کلامی سیدجمال از فرق و مذاهب بسیاری سخن به میان آمده است همانند: حنابله (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۳۱۸)؛ ماتریدی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۳۱۱-۳۱۲-۴۶۵)؛ زیدیه (همان، ۱۴۲۳ق، ۶، ۲۹۴)؛ اسماعیلیه (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۲۹۴)؛ اباضیه (همان، ۱۴۲۳ق، ۶، ۲۸۷)؛ خوارج (همان، ۱۴۲۳ق، ۶، ۲۸۷-۲۸۲)؛ صفریه (همان، ۱۴۲۳ق، ۶، ۲۸۷)؛ مجسمه (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۱۵۹)؛ قدریه (همان، ۱۴۲۳ق، ۶، ۲۸۰-۲۸۴-۲۸۶)؛ جبریه (همان، ۱۴۲۳ق، ۶، ۲۸۵-۲۸۳)؛ کرامیه (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۲۶۳-۴۳۳)؛ وهابیت (همان، ۱۴۲۳ق، ۵، ۱۷۷-۱۷۸) و (همان، ۱، ۲۵۴) که در بسیاری از موارد به نقد و ارزیابی آنان پرداخته است.

۵- فلاسفه و متکلمان

در مجموعه آثار و بیانات سیدجمال از فلاسفه و متکلمانی همچون سقراط (همان، ۱۴۲۳ق، ۹، ۱۴)، ارسطو (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۱۷۲-۲۶۸-۴۰۱)؛ افلاطون (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۱۷۲-۳۱۴-۴۰۰)؛ فارابی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۲۶۸-۳۵۸-۳۶۷-۴۰۱)؛ ابن ماجه (همان، ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۹۴)؛ ابن سینا (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۲۳۹-۲۴۰-۲۹۱-۳۱۴-۳۷۳-۴۱۰)؛ سید مرتضی (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۲۶۸)؛ بهمنیار (همان، ۱۴۲۳ق، ۷، ۳۱۴، ۳۶۸)؛ شهاب الدین سهروردی (همان، ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۹۴) و (همان، ۷، ۲۵۵)؛ ابن طفیل (همان، ۱۴۲۳ق، ۳، ۱۹۷)؛ خواجه نصیر الدین طوسی (همان، ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۹۴) و (همان، ۷، ۱۷۷)؛ میرفندرسکی (همان، ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۹۴)؛ میرداماد (همان، ۱۴۲۳ق، ۱، ۱۹۴)؛ ابن رشد (همان، ۱۴۲۳ق، ۳، ۱۸۷-۱۸۹-۱۹۷) سخن به میان آمده است.

سیدجمال در مواجهه با دیدگاه علمای دیگر فرقی و مذاهب در نقل و نقد نظریات آنان، از مسیر اخلاق و انصاف خارج نشده و همواره در نقد و بررسی دیدگاه‌ها بر اساس برهان و جدال احسن عمل نموده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اول ثمره و نتیجه بررسی روشی مبانی کلامی سیدجمال اسدآبادی شناخت جایگاه عقل و عقل‌گرایی در سپهر فکری - معرفتی سیدجمال است. وی از عقل و نقل به گونه‌ای بایسته بهره گرفته، اما در یک نگاه کلی رویکرد کلامی او بیش از آنکه نقلی باشد، عقلی است.

از دیگر فوائد این پژوهش در هندسه معرفتی سیدجمال، تبیین رویکرد عقل‌گرایانه سیدجمال در پرداختن به مسائل کلامی و پاسخگویی به شبهات مخالفان است. رویکرد عقل‌گرایی ایشان را باید همراه با اعتدال و میانه‌روی معرفی نمود زیرا بینش و منش عقل‌گرایی وی در مواجهه و تعامل با دگراندیشان و دیگر ادیان و فرقی و مذاهب در چارچوب قواعد کلامی و اصول

عقلانیت اسلامی بوده است. برای نمونه می‌توان به رساله «تفسیر مفسر» (ر.ک: اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ص ۱۹۶-۱۸۷) که توسط سیدجمال در نقد و ردّ تفسیر عقل‌گرایانه افراطی و علم‌زده سیداحمدخان هندی نگاشته شده است استناد نمود.

از نتایج و کارکردهای روش‌شناسی کلامی سیدجمال، تبیین جایگاه و اهمیت رویکرد و نگرش اجتماعی وی به آموزه‌های اعتقادی - کلامی و کاربست‌های اجتماعی آنها است که موجب اصلاح نگرش‌های کلامی پیشین گردید که به نوبه خود کاری نو و آغازی برای اقدامات متکلمان بعدی چون محمد عبده، محمد طاهر بن عاشور، سیدمحمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری بوده است. به عبارت دیگر، شاخصه اساسی و مبانی روشی که سیدجمال بر اساس آن آثار کلامی‌اش را تدوین کرده است مبتنی بر دغدغه و نگاه اجتماعی - سیاسی وی به دین و آموزه‌های اسلامی است. در حقیقت او با مؤلفه‌هایی که در تعریف علم کلام به آنها اشاره شد به تبیین، اثبات و دفاع از ابعاد اجتماعی - سیاسی آموزه‌های دینی پرداخته است. بر همین اساس سیدجمال را باید یکی از بنیان‌گذاران اصلی «کلام اجتماعی» به حساب آورد.

خلاصه کلام اینکه؛ سیدجمال‌الدین اسدآبادی با رویکردی عقل‌گرایانه و نگرشی اجتماعی و بینش و منشی همراه با اعتدال و مبتنی بر اصول کلامی و عقلانیت اسلامی با استفاده از علوم گوناگون درصدد تبیین دقیق مبانی کلام اسلامی بوده است و با پاسخگویی به سؤالات و شبهات اعتقادی جامعه دینی درصدد دفاع و پاسداری از مرزهای اعتقادی و اندیشه اسلامی در عرصه‌های اجتماعی - سیاسی برآمده است. می‌توان با توجه به شکل‌گیری نهضت‌های اصلاحی و خیزش‌های اسلامی معاصر که ریشه در حرکت آغازین سیدجمال دارد، عملکرد و آثار و کاربست‌های روشی رویکرد کلامی سیدجمال را موفق و مثبت ارزیابی کرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابوحمدان، سمیر، ۱۹۹۲، «جمال‌الدین الافغانی و فلسفه الجامعة الاسلامیه»، بیروت، ناشر: الشركة العالمیه الکتاب.
۲. اسدآبادی، میرزا لطف الله خان، ۱۳۵۶، «شرح حال و آثار سیدجمال‌الدین اسدآبادی، معروف به افغانی»، تهران، انتشارات سحر.
۳. اقبال لاهوری، محمد، ۱۳۶۶، «احیای فکر دینی در اسلام»، ترجمه محمد آرام، تهران، کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی.

۴. جبرئیلی، محمدصفر، ۱۳۸۷، فلسفه دین و کلام جدید، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. جبرئیلی، محمدصفر، ۱۳۹۱، سیری در تفکر کلامی معاصر، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. جبرئیلی، محمدصفر، ۱۳۹۴، سیرتطور کلام شیعه، چاپ سوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. حسین‌زاده، محمد، ۱۳۸۵، درآمدی بر معرفت‌شناختی و مبانی معرفت دینی، قم، مؤسسه امام خمینی(ره).
۸. حسین‌زاده، محمد، ۱۳۹۶، معرفت دینی؛ عقلانیت و منابع، چ ۲، قم، مؤسسه امام خمینی(ره).
۹. حسین‌زاده، محمد، ۱۳۹۷، جستاری فراگیر در ژرفای معرفت‌شناختی، چ ۲، قم، انتشارات حکمت اسلامی.
۱۰. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، ۱۴۲۳ ه.ق، الآثار الکامله؛ العروه الوثقی؛ اعدا تقدیم: سید هادی خسرو شاهی، ج ۱، الاولى، القاهره، مکتبه الشروق الدولیه.
۱۱. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، ۱۴۲۳ ه.ق، الآثار الکامله؛ رسائل فی الفلسفه والعرفان، اعداد تقدیم: سید هادی خسروشاهی ج ۲، الاولى، القاهره، مکتبه الشروق الدولیه.
۱۲. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، ۱۴۲۳ ه.ق، الآثار الکامله؛ الرسائل و المقالات، اعداد تقدیم: سید هادی خسروشاهی ج ۳، الاولى، القاهره، مکتبه الشروق الدولیه.
۱۳. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، ۱۴۲۳ ه.ق، الآثار الکامله؛ ضیاء الخافقین؛ اعداد و تقدیم: سید هادی خسروشاهی؛ ج ۴، الاولى، القاهره مکتبه الشروق الدولیه، القاهره، ۱۴۲۳ ق.
۱۴. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، ۱۴۲۳ ه.ق، الآثار الکامله؛ تاریخ ایران و تاریخ افغان، اعداد تقدیم: سید هادی خسروشاهی ج ۵، الاولى، القاهره، مکتبه الشروق الدولیه.
۱۵. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، ۱۴۲۳ ه.ق، الآثار الکامله؛ خاطرات الافغانی-آراء و افکار؛ تقریر محمد پاشا المخزومی، اعداد تقدیم: سید هادی خسروشاهی ج ۶، الاولى، القاهره، مکتبه الشروق الدولیه.

۱۶. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، ۱۴۲۳ ه.ق، الآثار الكاملة؛ التعليقات على شرح العقائد العضديه، اعداد تقديم: سيد هادی خسروشاهی ج ۷، الاولى، القاهرة، مكتبة الشروق الدولية.
۱۷. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، ۱۴۲۳ ه.ق، الآثار الكاملة؛ مجموعه رسائل و مقالات، اعداد و تقویم: سیدهادی خسروشاهی، ج ۹، الاولى، القاهرة، مكتبة الشروق الدولية.
۱۸. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، ۱۴۲۳ ه.ق، الآثار الكاملة؛ نامه‌ها و اسناد سیاسی-تاریخی، اعداد تقديم: سيد هادی خسروشاهی ج ۸، الاولى، القاهرة، مكتبة الشروق الدولية.
۱۹. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۲، بيدارگران اقاليم قبله، چاپ اول، قم، انتشارات دليل ما.
۲۰. حلبی، علی اصغر، ۱۳۵۶، زندگی و سفرهای سیدجمال‌الدین اسدآبادی، تهران، انتشارات زوار.
۲۱. حلبی، علی اصغر، ۱۳۷۱، تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر، ج ۱، تهران، انتشارات بهیانی.
۲۲. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۸، آسیب‌شناسی دین پژوهی معاصر، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۰، کلام جدید با رویکرد اسلامی، ج ۲، قم، دفتر نشر معارف.
۲۴. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۲، درآمدی بر علم کلام، ج ۳، قم، انتشارات دارالفکر.
۲۵. رشیدرضا، محمد، ۱۴۲۷ق، تاریخ الاستاذ الامام الشيخ محمد عبده، القاهرة، ج ۳، چ ۲، دارالفضیله.
۲۶. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۳، مدخل مسائل جدید در علم کلام، ج ۱، چاپ دوم، قم، ناشر: مؤسسه امام صادق (ع).
۲۷. الشرباصی، احمد، ۱۹۶۳م، «امیرالبیان شکیب ارسلان»، مصر، مؤسسه المصریة العامه.
۲۸. صاحبی، محمدجواد، ۱۳۸۶، سیدجمال‌الدین اسدآبادی مجدد نهضت احیای فکردینی، قم، نشر احیاگران.
۲۹. صدری‌نیا، حسین، ۱۳۸۸، ارتباط هستی و انسان با خدا، تهران، سایه روشن.
۳۰. عرب صالحی، محمد، ۱۳۹۳، جریان‌شناسی اعتزال نو، ج ۱، چ ۱، تهران، ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۱. عماره، محمد، ۱۴۲۷ق، الاعمال الكاملة للامام محمد عبده (ج ۵)، القاهرة، دارالشروق.
۳۲. عنایت، حمید، ۱۳۸۵، سیری در تفکر سیاسی عرب، ج ۶، تهران، امیرکبیر.

۳۳. غفاری، حسین و امیر مازیار، ۱۳۹۵، معرفت‌شناختی در فلسفه اسلامی، تهران، انتشارات حکمت.
۳۴. غنیمه، عبدالرحیم، ۱۳۶۴، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه دکتر نورالله کسایی، تهران، یزدان.
۳۵. محیط طباطبائی، محمد، ۱۳۸۰، نقش سید جمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، ج ۵، قم، کلبه شروق.
۳۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، مجموعه آثار، ج ۲۴، ج ۱، تهران، انتشارات صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، آشنایی با علوم اسلامی: کلام، عرفان، حکمت عملی، ج ۲، ج ۶، تهران، انتشارات صدرا.
۳۸. معلمی، حسن، ۱۳۸۶، پیشینه و پیرنگ معرفت‌شناختی اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۹. واثقی، صدر، ۱۳۵۵، سیدجمال‌الدین حسینی، پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات پیام.

پی‌نوشت

۱. مجموعه آثار سیدجمال که در گذشته توسط دکتر محمد عماره با عنوان الاعمال الکامله در مصر چاپ و منتشر شده بود بعدها به همت و تلاش درخور تحسین و تقدیر سید هادی خسروشاهی (رحمه‌الله) در مجموعه‌ای ۷ جلدی (چاپ ایران) و ۹ جلدی (چاپ مصر) با عنوان الآثار الکامله منتشر شده است.
۲. «الإنسان كثير الحاجات، غير معدود الضرورات، وكل ما يسد حاجاته و يدفع ضروراته، وراء ستار الخفاء محجوب، و تحت حجاب الغيب مکنون.» (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۵۵).
۳. «الإنسان بسوق الحب الذاتی لا یرید و لا یحب أن یعتقد أنه سیذهب سدی بعد الموت؛ لأن الاعتقاد بذلک مزعج للنفس، مقبض للروح فهو یرجو بعد الفناء الظاهری أن یبعث و یكون له معاد و أن یحیی حیاة أبدیه.» (همان، ج ۶، ص ۱۷۷).
۴. هر چند در گذشته گروهی از مسلمانان عقیده به جبر داشته و انسان را در تمام افعال و اعمالش مضطر و بدون هیچ‌گونه اختیاری دانسته‌اند که در اواخر قرن چهارم منقرض شده و دیگر هیچ اثری در آنها یافت نمی‌شود (همان، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۲).
۵. الاعتقاد بالقضاء یؤیده الدلیل القاطع بل ترشد الیه الفطره (همان، ج ۱، ص ۱۴۳).
۶. الاعتقاد بالقضاء و القدر اذا تجرد عن شناعه الجبر یتبعه صفة الجراة و الاقدام و خلق الشجاعة و البسالة و یبعث علی اقتحام المهالك التي توجف لها قلوب الاسود و تنشق منها مرائر التمرور. هذا الاعتقاد یطبع الانفس علی الثبات و احتمال المکاره و مقارعة الاحوال و یجلیها بحلی الجود و السخاء و یدعوها الی الخروج من کل ما یعز علیها بل یحملها علی بذل الارواح و التخلی عن نضره الحیاة کل هذا فی سبیل الحق الذی قد دعاها للاعتقاد بهذه العقیده (همان، ج ۱، ص ۱۴۴).

٧. وی در ادامه می گوید: «تلقاه العقول عن المبشرين المنذرين فهو مسكوب لمن يختصهم الله بالوحي و منقول عنهم بالبلاغ و الدارسه و التعليم و التقنين و هو عند جميع الامم اول ما يمتزج بالقلوب و ... و كأنما الانسان في نشأته لوح صقيل و اول ما يخط فيه رسم الدين ثم ينبعث الى سائر الاعمال بدعوتة و ارشاده» (همان، ج ١، ص ١١٧).